

## بررسی نقش ایل بزچلو در عصر صفویه

علی ابوالقاسمی<sup>۱</sup>

### چکیده

صفویان با تکیه بر عنصر تصوف به عنوان نیروی ایدئولوژی و ایلات قزلباش به عنوان نیروی نظامی موفق به تأسیس حکومت صفویه در ایران گردیدند. ایلات قزلباش متشکل از ایلات ترک ساکن در آناتولی، اران و شام بودند. این ایلات بعد از مهاجرت ترکمانان سلجوقی و حملات مغول در این مناطق ساکن شده بودند. یکی از این ایلات ترک قزلباش ایل بزچلو بود. هدف از این پژوهش شناخت منشاء ایل بزچلو و سپس تبیین و شناخت تاریخی ایل بزچلو در عصر صفویه است. نتیجه کلی این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفت نشان داد بزچلوها یکی از تیره‌های ایل بیات ساکن در مناطق شمال سوریه و جنوب آناتولی بودند که با فعالیت‌های تبلیغاتی صفویان به قزلباش‌ها پیوسته سپس به ایران مهاجرت نمودند. بزچلوها که ابتدا در عراق عجم ناحیه‌ای مابین همدان و اراک امروزی ساکن شده بودند در زمان شاه عباس به قفقاز کوچ داده شده و مصدر فعالیت‌هایی در عصر صفویان گردیدند.

واژه‌های کلیدی: صفویان، قزلباش، بیات، بزچلو، عراق عجم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## مقدمه

در راستای تبیین و شناخت تاریخننگاری محلی، فرهنگ و تمدن اقوام مختلف ایرانی و برای شناخت بهینه تاریخ ایران و اشراف بر جزء جزء لایحه‌های فرهنگی، سیاسی، مذهبی، زبانی تاریخ ایران نیازمند بررسی ایلات و اقوام و تأثیر آن‌ها بر تحولات اقتصادی سیاسی اجتماعی فرهنگی زبانی ایران زمین هستیم.

با تسلط سلجوقیان بر ایران عنصر ترکمانان همراه با سبک زندگی کوچ نشینی وارد حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ایران گردید. ایلات ترکمان که در نقاط مختلف ایران ساکن گشته بودند با گسترش فتوحات سلجوقیان در آناتولی و شام نیز ساکن شدند. با هجوم مغولان بسیاری از ایلات ترکمان ساکن ایران نیز به شام و آناتولی مهاجرت نمودند و جمعیت عظیمی از ترکمانان در آن مناطق متمرکز شدند. یکی از این آن‌ها ایل بیات یکی از بیست و چهار تیره اغوزها بود که در مناطق غرب و جنوب غرب ایران، عراق، شمال سوریه و جنوب آناتولی ساکن بودند. ایلات ترکمان در تشکیل حکومت و به قدرت رساندن حکومت‌های بسیاری نقش مستقیم داشتند. امپراتوری صفویه از جمله حکومت‌هایی بود که با تکیه بر نیروی نظامی ترکمانان شکل گرفت. آن‌ها در زمان صفویه به قزلباش مشهور بودند. از میان انبوه ایلات قزلباش در عهد صفویه به نام ایل بزچلو نیز مواجه می‌شویم. آن‌ها از جمله سی و دو قبیله محترم قزلباش در آن دوره بوده‌اند (اروج بیگ، ۱۳۳۸: ۶۸؛ دلاواله، ۱۳۸۱: ۲۷۷). بخشی از این ایل محتملاً در عصر شاه عباس به قفقاز کوچ داده شدند (باکیخانف، ۱۳۸۳: ۱۷۹؛ اوین، ۱۳۶۲: ۱۰۸). آن‌ها در عصر قاجار نیز نقش بسزایی در جنگ‌های ایران و روس ایفا نمودند (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۱۰/۱). البته با شکست ایران در جنگ بسیاری از بزچلوها از طریق عثمانی وارد خاک ایران شدند و به دستور عباس میرزا در ناحیه بزرگ و آباد سلدوز که امروزه از توابع شهرستان نرده است استقرار یافتند (پورصفر، ۱۳۷۷: ۵۳۸/۴). این طایفه در جریان مهاجرت تغییر نام یافت و به قرآپایاق مشهور شد. به نظر می‌رسد آن‌ها در هنگام اقامت در عثمانی و به خاطر نوع پوشش و کلاه‌های سیاه مردان که داشتند به این نام معروف شدند. (اوین، ۱۳۶۲: ۷۸؛ رضوی، ۱۳۷۰: ۲۱). امروزه شهرستان کمیجان در

استان مرکزی<sup>۲</sup> و شهرستان نقده<sup>۳</sup> (سولدوز) در آذربایجان غربی از مراکز مهم سکونتگاهی آنهاست. البته بصورت پراکنده در بعضی روستاهای شهرستان فراهان و خنداب استان مرکزی، شهرستان همدان، فامنین و کبودرآهنگ استان همدان، شهرستان بوئین زهرا استان قزوین و شهرستان زنجان استان زنجان سکونت دارند. امروزه به غیر از ایران در جمهوری آذربایجان، ترکیه، داغستان روسیه، ارمنستان و گرجستان نیز ساکن هستند.

### پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش مستقلی درخصوص منشاء و نقش ایل بزچلو در تحولات عهد صفویه صورت نپذیرفته است. تنها فاروق سومر اشاراتی به ایل بزچلو در بعضی از آثار خود از جمله در کتاب «اغوزها و نقش ترکان آناتولی در تشکیل دولت صفویه» داشته است که در تحقیق حاضر از آن استفاده نموده‌ایم. همچنین در دانشنامه جهان اسلام و دایره المعارف بزرگ فارسی نیز مدخلی درخصوص بزچلو به رشته تحریر درآمده که اطلاعات چندانی درباره ریشه و فعالیت‌های آنها در عصر صفویه ارائه نکرده است. به علاوه کتبی توسط بعضی علاقه مندان به تاریخ ایل بزچلو در آذربایجان غربی تألیف گردیده که البته بیشتر به تاریخ ایل قاراپایاق یعنی نامی که بعد از مهاجرت به ایران در زمان قاجار بر آنها اطلاق شده پرداخته و اشاره‌ای به منشاء و فعالیت‌های آنها در عصر صفویه نشده است. در واقع این نخستین پژوهش مستقل درخصوص ایل بزچلو است.

### منشاء ایل بزچلو

نام ایل بزچلو برای اولین بار در منابع مصری و در عهد ممالیک در قرن نهم ذکر گردیده است. بر طبق گزارشات تاریخی مورخین مصری عهد ممالیک بوزجه فرمانده بیات‌هایی بوده که در دهه‌های آغازین قرن نهم در کشمکش‌های سیاسی ممالیک داخل شده و در حمایت از سلطان فرج پادشاه چرکسی ممالیک وارد نبرد با مدعیان قدرت و تاج و تخت از جمله شیخ‌المحمودی حاکم حلب می‌گردد. بر این اساس به دنبال فوت سلطان برقوق در سال ۸۰۱ هـ.ق پسرش سلطان فرج جانشین





وی گردید. فرج با وجود اینکه جوانی برازنده و شجاع بود ولی شعور سیاسی نداشت. بدین سبب تمام دوره فرمانروایش به مقابله و جنگ با امرا به ویژه امرایی چون شیخ محمودی والی شام، چکیم و نوروز گذشت. (سومر، ۱۳۹۰: ۳۲۸). در یکی از جنگ‌هایی که در آخرین ماه سال ۸۱۱ هـ ق در ساحل رودخانه عاصی مابین نیروهای سلطان فرج و شیخ محمودی اتفاق افتاد بوزجه بیگ که در رأس بیات‌های طرفدار سلطان فرج قرار داشت در حین جنگ به رودخانه افتاد و غرق شد. از این تاریخ به بعد در منابع مصری به بیات‌هایی که بوزجه و فرزندش خلیل بیگ فرمانده آن‌ها بوده‌اند جماعت آل بوزجه یا بوزجه لو لقب می‌دهند<sup>۴</sup> (همان: ۳۲۹). در واقع نام ایل تحت تابع بوزجه تحت الشعاع نام او قرار می‌گیرد. در منابع مالیاتی عصر عثمانی نیز طایفه بوزجه لو در رأس طوایف بیات قرار داده شده است. همچنین نویسنده گمنام کتاب تاریخ قزلباشان در زمان شاه عباس اول به هنگام معرفی ایلات قزلباش، بیات و بزچلو را در کنار هم قرار داده و در ذیل آن توضیحاتی ارائه کرده است (بی‌نا، ۱۳۶۱: ۲۴). اما علی‌رغم جدایی ظاهری بزچلوها از بیات‌ها کماکان بزچلوها رابطه خود را از ایل مادر جدا نکردند و بعدها با مهاجرت به ایران نیز در نزدیکی ایل بیات ساکن گردیدند.<sup>۵</sup> به عنوان نمونه شمال و جنوب منطقه بزچلوی عراق عجم در استان مرکزی امروزی تیول بیات‌ها بوده است. لازم به توضیح است که شمال منطقه بزچلو در گذشته به بلوک بیات معروف بوده و امروزه با عنوان دهستان بیات جزء شهرستان ساوه می‌باشد. همچنین محال کزاز و کره رود در جنوب منطقه بزچلو در شهرستان شازند امروزی از قدیم‌ترین مناطق مسکونی ایل بیات در زمان صفویه بوده است (اسکندریبگ، ۱۳۶۴: ۲/۱۳ و ۲/۴۴۰، ۲/۱۹۶، ۲/۱۳۴، ۲/۴۷۲). این ارتباطات حاکی از آشنایی بزرگان آن‌ها از ریشه مشترک داشته است و شاید بی دلیل نیست که مؤلف کتاب تاریخ قزلباشان (بی‌نا، ۱۳۶۱: ۲۴) که در سالهای نخستین قرن یازدهم نوشته به هنگام ذکر نام بزچلو، آن را در کنار عنوان «بیات» آورده است.

البته وجود ایل دیگری در تاریخ بانام برجلو باعث اختلاف‌هایی در شناخت منشاء این ایل گردیده است. برجلو با نام اصلی برج اغلی که برای نخستین بار در متون گرجی از آن‌ها نام برده شده از

ترکهای قپچاق ساکن در شمال دریای خزر و قفقاز بودند که در قرن ششم و در راستای کمک به گرجیان در مخالفت با دشمنانشان به کمک آنها آمده و در گرجستان ساکن شدند. ([http://hist.citl.cc.rsu.ru/Don\\_NC/Middle/Polovci.htm](http://hist.citl.cc.rsu.ru/Don_NC/Middle/Polovci.htm)). همچنین در کتاب اروج بیگ در عهد صفویه نیز از این قبیله نام برده شده که جزء سی و دو قبیله محترم قزلباش بوده است. (اروج بیگ، ۱۳۳۸: ۶۸).

حدس نگارنده بر آن است که محتملاً مردم بومی منطقه بعد از مهاجرت بزچلوه‌ها به منطقه گرجستان در زمان صفویه به دلایلی چند از جمله تبار مشترک، شباهت اسمی و شباهت سکونتگاهی دو طایفه بزچلوه‌ها را نیز برجلو/ بورچلو نامیده‌اند. بطوریکه امروزه منطقه بزچلو نشین گرجستان به صورت بورچلو/ بورچالی معروف گردیده است.

#### بزچلوه‌ها پیش از صفویه

همانگونه که در بالا اشاره گردید بزچلوه‌ها به رهبری بوزجه نامی در کشمکش‌های داخلی ممالیک شرکت کرده و در حمایت از سلطان فرج پادشاه ممالیک وارد نبرد با مدعیان قدرت از جمله شیخ المحمودی حاکم حلب می‌گردد و در همین راستا به قتل می‌رسد. (سومر، ۱۳۹۰: ۳۲۸). بعد از آن فرزندش خلیل بیگ به رهبری این دسته از ترکهای بیات می‌رسد. خلیل بیگ بوزجه اوغلی جزو امرایی بوده که در سال ۸۷۵ ق در حلب به حضور یشبگ فرمانده مملوک‌ها که در صدد جنگ با شهبزاری بیگ ذوالقدر اوغلی بود رسیده است (همان: ۳۳۱). بعدها برخی از امرای خاندان بوزجه اوغلی با قدرت گیری اوزون حسن به آق قویونلوها پیوستند (طهرانی، ۱۹۷۸: ۱۴۸). در اسناد عثمانی و در عصر سلطان سلیمان قانونی نیز به نام ایل بوزجه لو برخورد می‌کنیم. در قدیمی‌ترین دفاتر مالیاتی عصر سلطان سلیمان، قبیله بیات سومین قبیله‌ای است که از آن نام برده شده و از ۲۰ شاخه تشکیل می‌شده است. در رأس این بیست تیره از تیره «جماعت اردوی خلیل بگ بن بوزجه» نام برده می‌شود. ولی در دفاتر مربوط به نیمه دوم همان قرن دیگر نامی از این اوبه به چشم نمی‌خورد و معلوم





نیست که بر سر آن چه آمده است. به احتمال بسیار زیاد آنها نیز به هم قبیلگان قبلی خود پیوسته و به ایران کوچ کرده‌اند (سومر، ۱۳۹۰: ۳۳۲).

### بزچلوها در عصر صفویان

بزچلوها علی‌رغم اینکه نامشان در میان سی و دو قبیله محترم قزلباش در عهد صفویان ذکر گردیده (اروج بیگ، ۱۳۳۸: ۶۸). اما هیچ‌گاه در مقام یک ایل صاحب منصب و دارای مقامات عالی نبودند و بیشتر نقشی درجه چندم را دارا بودند. یکی از علل آن شاید قلت جمعیتشان باشد. به نظر می‌رسد بزچلوها به مانند اکثریت ترکمانان منطقه آناتولی و شام با ظهور دعوت صفویان و به احتمال بسیار زیاد در هنگامی که جنید در مناطق حلب و سوریه و آناتولی مشغول تبلیغ و گردآوری نیرو بود به تشیع روی آورده باشند. زمان ورود آنها به ایران مشخص نیست. اگرچه به نظر می‌رسد در زمان شاه اسماعیل به ایران کوچ نموده باشند؛ زیرا شاهد حضور و رشادت‌های آنها در نبرد شاه اسماعیل با ازبکان در جنگ مرو به سال ۹۱۶ هـ.ق هستیم. در این جنگ عزیزآقا بزچلو ملقب به آدی بهادر جسد شبیک خان را پیدا کرده سرش را برای کسب صله به حضور شاه می‌برد (اسکندریگ منشی، ۱۳۶۴: ۳۸؛ بی‌نا، ۱۳۶۴: ۳۸۰).<sup>۱</sup> دیگر از فعالیت‌های آنها در زمان شاه اسماعیل اطلاعی نداریم.

اما از امرای بزچلو در زمان شاه طهماسب، عیسی سلطان بزچلو را می‌شناسیم که در سال ۹۷۲ هـ.ق از وی نام برده شده است (قزوینی، ۱۳۸۷: ۲۲۳). البته اشاره‌ای به قلمرو حکومتی وی نشده است. اطلاعی از بزچلوها در زمان شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خداپنده در دست نیست. اما در زمان شاه عباس و در سال ۱۰۰۶ هـ.ق سلطان علی بیگ یوزباشی بزچلو از جمله فرماندهان سپاه شاه عباس در جنگ با ملک جهانگیر حاکم کجور بوده است (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۶۱). به نظر می‌رسد در زمان شاه عباس و در پی تغییرات اساسی برای ایجاد ساختار جدید مذهبی، سیاسی و فرهنگی در کشور و برای تضعیف طوایف و ایلات قزلباش آنها را در سراسر کشور پراکنده کردند. در همین راستا ایل بزچلو را نیز به نام دفاع از سرحدات در برابر لزگی‌ها و در واقع در راستای سیاست متمرکز



زدایی ایلات به منطقه لوری و پنبک در ایالت قراباغ و به سرحد گرجستان (کارتیل امروزی در خاک گرجستان) کوچاندند (باکیخانف، ۱۳۸۳: ۱۷۹؛ اوپن، ۱۳۶۲: ۱۰۸). اگرچه در هیچ یک از منابع دوره صفویه از مهاجرت بزچلوها در زمان شاه عباس به قفقاز سخنی به میان نمی‌آید باکیخانوف مدعی است که این ایل در زمان شاه عباس به قفقاز کوچانده شده‌اند (باکیخانف، ۱۳۸۳: ۱۹۷). در یک نسخه خطی با عنوان حرب الحسن متعلق به سال ۱۲۸۵ هـ.ق که توسط حسن خان سرتیپ بزچلو نوشته شده تنها اشاره‌ای به علت کوچ بزچلوها گردیده و خبری از پادشاه معاصر نمی‌دهد. در قسمتی از این نسخه چنین آمده است «وطن مألوف و مسکن معروف طایفه مزبوره (طایفه بزچلو) از قدیم الایام محال بزچلو من اعمال همدان است. آن طایفه از وفور جلادت و فرط رشادت که در ذاتشان مخمر است همیشه بر همجوار و ایلات اطرافی خودشان زیادتی نموده و در آن ایام لکزیه داغستان هم اکثر اوقات دست تعدی به ساکنین گرجستان یازیده و به قدر امکان در خرابی آن ولایت مضایقه نمی‌نمودند پادشاه آن زمان سه هزار خانوار از طایفه بزچلو و به ریاست یار علی آقا که ابا عنجد رئیس ایشان بود کوچانیده در ولایت گرجستان در دهنه دربند لکزیه و در بلوکات اعمال لوری و پنبک و آغجه قلعه جابجا نمودند که دست تطاول و تعدی لکزیه را از آن سرزمین مقطوع و راه ترددشان را مسدود ساختند. و بعضی بی دست و پایان بزچلو که جندان کارآمد نبودند به ریاست یک نفر از بنی عم یارعلی آقا سابق الذکر در همدان مانده و تکالیف دیوانی را که در آن زمان معمول بود به گردن گرفته و دست از شرارات کشیده داشتند. یارعلی آقا که به اتفاق ایل خود در بلوکات مزبور سکنا گرفتند رکیله خان و گرگین خان والیان گرجستان از دهات محال پنبک چند قطعه ده ملکتا به یارعلی آقا و اولاد او داده و چند قطعه هم خودشان ابتیاع کرده به قدر یکصد و پنجاه قریه معتبر ملک یارعلی آقا و اقایان دیگر بود (خسروی چیا، ۱۳۸۷: ۲۶).

براساس گفته‌های بالا ایل بزچلو که در منطقه عراق عجم سکنی داشته برای جلوگیری از تعدی‌ها و دست اندازی‌هایی که اقوام کوهستانی لزگی به مناطق روستایی و شهری گرجستان انجام می‌دادند به گرجستان اعزام می‌شوند و در طی این مهاجرت سه هزار چادر و به ریاست یارعلی آقا که بزرگ



بزچلوه‌ها بوده به گرجستان مهاجرت کرده و در محال پنبک (پمبک) و لوری و آغچه قلعه ساکن می‌شوند. بنابر گفته نویسنده تعداد کمی از بزچلوه‌ها در همدان باقی ماندند و اکثریت آن‌ها به قفقاز کوچیده‌اند. منطقه مورد اشاره یعنی لوری، پنبک و آغچه قلعه در سازمان اداری صفویه تابع بیگلربیگی قراباغ و از محال آذربایجان محسوب می‌شده است (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۹۵). در واقع من بعد نیز در منابع عصر صفوی و قاجار بیشتر از بزچلوه‌های قفقاز سخن می‌آید تا بزچلوه‌های همدان. بزچلوه‌ها که در بلوکات لوری<sup>۷</sup>، پمبک<sup>۸</sup> و آغچه قلعه<sup>۹</sup> ساکن شده بودند در جنگ‌های ایران و عثمانی در زمان شاه صفی مشارکت داشتند. اگرچه بایسنقر سلطان بزچلو حاکم آخستباد<sup>۱۰</sup> (آخستفه، آغستافا) در سال ۱۰۴۵ هـ.ق و به خاطر خالی کردن قلعه آخستباد در برابر حمله سلطان مراد عثمانی پوست کنده شده و حکومتش را به عیسی خان سلطان بزچلو سپرده‌اند (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۷۲؛ اسکندربیگ منشی، ۱۳۱۷: ۱۷۲). سه سال بعد یعنی در سال ۱۰۴۸ هـ.ق شاه صفی به پاس خدمات عیسی خان بزچلو وی را به حکومت ولایت لوری، پنبک و آغچه قلعه که مسکن بزچلوه‌ها بود منصوب کرد. (اسکندربیگ منشی، ۱۳۱۷: ۲۴۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۵۸؛ خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۷۹؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۰۰). وی لااقل تا سال ۱۰۶۵ هـ.ق در همانجا سکونت و حکومت داشته است زیرا در این سال کلیسای ارامنه لوری بی هیچ دلیلی فروریخت و وی گزارش این حادثه را به پادشاه نوشته است. (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۱۳). تا پایان سلطنت صفویه دیگر اطلاعاتی از بزچلوه‌ها در منابع نیست. اما با روی کار آمدن نادرشاه و سپس آغاز جنگ‌های ایران و روس در زمان حکومت قاجارها بزچلوه‌ها تبدیل به یکی از بازیگران اصلی منطقه قفقاز می‌گردند. پرداختن به فعالیت‌های سیاسی ایل بزچلو در عهد قاجار خود حدیث مفصلی می‌طلبد.

### نتیجه‌گیری

یکی از ابهامات در تاریخ قوم‌شناسی ابهام در خصوص نام، منشاء و تاریخ بزچلوه‌ها و بورچلوه‌ها بوده است. با بررسی دقیق منابع ایرانی، مصری و گرجی مشخص شد که بزچلو و بورچلو دو ایل متفاوت



در تاریخ بوده‌اند. اولی نام یک شاخه از ترکهای اوغوز از تیره بیات ساکن در سوریه بودند که نام خود را از شخصی بانام بوزجه از فرماندهان نظامی ممالیک در قرن نهم گرفته بودند و از این رو به بوزجه لو معروف گردیدند. دیگری برگرفته از نام برج اغلی از ایلات ترک قپچاق ساکن در مناطق شمال دریای خزر و قفقاز که قرن ششم در گرجستان ساکن گردیده بودند. بعدها به خاطر سکونت بزچلوها در زمان شاه عباس در محدوده‌ی سابق ایل بزچلو بومیان منطقه بخاطر شباهت اسمی این دو طایفه هردو را به یک نام نامیده‌اند. ایل بزچلو بعد از جدایی از ایل مادر یعنی ایل بیات با تبلیغات شیوخ صفویه به سان بسیاری از ایلات ترک ساکن شام و آناتولی مرید و مطیع آنها شده و محتملاً در زمان شاه اسماعیل به ایران کوچ کرده در منطقه ای مابین همدان و اراک امروزی ساکن شدند که بعدها به محال بزچلو معروف شد. شاه عباس عده‌ای از ایل بزچلو را در راستای سیاست پراکندگی ایلات به لوری و پنبک در گرجستان و ارمنستان امروزی کوچ داد تا در برابر حملات اقوام کوه نشین لزی و داغستانی و همچنین عثمانیان و گرجی‌ها مبارزه نمایند. بزچلوها سال‌های طولانی به عنوان حاکمان مناطق لوری، پمبک و آغچه قلعه در سرحدات ایران ایفای نقش نمودند.

### پی‌نوشت

۱. دون ژوئن (اروج بیگ بیات) این اسامی را در کتاب خود چنین آورده است: استاجلو، شاملو، افشار، ترکمن، بیات، تکلو، خربنده لو (خدابنده لو)، ذوالقدر، قاجار، قرمانلو، بایبوردلو، اسپرلو، اویرات، چاوشلو، آسایشلو، چمشکزک لو، ساری سولاق لو (استاجلو)، قراباجاق لو، بزچلو، قویون اریلو (جوئینی اریلو)، قرقلو، بزچلو، حاجی فقیه لو، حمزه لو، سولاق لو، محمودلو، قره چماقلو، قره قویونلو، گزی بیوک لو، پیک لو، ایناللو، کوه گیلویه لو.

۲. در گذشته این منطقه با نام بلوک بزچلو معروف بوده است.

۳. باعنوان قاراپایاق.

۴. در واقع صورت اصلی این کلمه بزجه لو می‌باشد که در ادبیات فارسی به صورت بزچلو درآمده است.





۵. به غیر از این منطقه نقاط سکونتگاهی بزچلوها در قره باغ، ایروان و گنجه نیز در کنار بیات ها قرار داشته است (باکیخانف، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

۶. بزرگان ایل بزچلو اعتقاد دارند که شاه با گفتن جمله «بو چوخ بهادور» به عزیز آقا ابراز خوشحالی کرده و در ازای این خدمت ضمن اعطای لقب آدی بهادر به عزیز آقا شمال فراهان یعنی جنوب کهستان درگزین (منطقه کمیجان امروزی) را به عنوان تیول و پاداش به او و طایفه بزچلو می‌بخشد. چنانکه از این تاریخ به بعد نام منطقه به بزچلو معروف و مصطلح می‌گردد. (دهگان، ۱۳۳۵: ۲۵). بلوک بزچلو تا اوایل قرن دوازدهم و در کنار هشت ناحیه دیگر عراق عجم از قبیل آشتیان، فراهان، کزاز، شرا، سربند و.... ذکر می‌گردیده است. نام بزچلو تا بعد از تقسیمات سیاسی جدید و تا سال ۱۳۶۵ به حیات خود ادامه می‌داده است. (همان). از سال ۱۳۶۶ ش نام بزچلو از تقسیمات کشوری حذف گردید. امروزه بلوک بزچلو به شهرستان کمیجان تغییر نام پیدا کرده است.

۷. لازم به اشاره است که محال لوری در منابع عصر صفوی تقریباً با مرزهای استان لوری در شمال ارمنستان امروزی مطابقت می‌کند.

۸. محال پنبک نیز مابین حماملو (اسپیتاک امروزی) و فراکلیسا (وانادزور امروزی مرکز استان لوری) قرار داشته است. تقریباً به قسمت‌های جنوبی استان لوری امروزی محال پنبک گفته می‌شده است. همچنین روستایی بانام پنبک به ارمنی پامباک (Փամբակ) نیز امروزه در جنوب استان لوری ارمنستان، وجود دارد. البته در استان گغارکونیک و آراگاتسوتن نیز روستاهایی با همین نام وجود دارد. بعد از جنگ‌های آرامنه و آذربایجان دیگر هیچ فردی از ایل بوزجلو در ارمنستان وجود ندارد.

۹. محال آغچه قلعه با عنوان گاگی در شهرستان مارنئولی در استان کارتیل جنوبی در جمهوری گرجستان قرار دارد.

۱۰. آخستباد یا نام صحیح آن آخستفه که امروزه بصورت آغستافا نامیده می‌شود در منتهی الیه شمال غربی جمهوری آذربایجان و در همسایگی دیگر مناطق مذکور است.

## منابع

الف) منابع فارسی



ابراهیمی، معصومه (۱۳۸۱). مدخل «بزچلو»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۲، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی.

اروج بیگ بیات (۱۳۳۸). *سفرنامه دون ژوئن ایرانی*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اسکندربیگ منشی ترکمان (۱۳۸۷). *عالم آرای عباسی*، با اهتمام و تنظیم ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

\_\_\_\_\_ (۱۳۱۷). *ذیل عالم آرای عباسی*، به تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: چاپخانه اسلامیه.

اوین، ژان (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷: ایران و بین النهرین*، ترجمه و حواشی و توضیحات علی اصغر سعیدی. تهران: علم.

باکیخانوف، عباسقلی (۱۳۸۳). *گلستان ارم*، تصحیح عبدالکریم علی زاده، تهران: انتشارات ققنوس. پورصفر قصابی نژاد، علی (۱۳۷۷). مدخل «بزچلو»، *بنیاد دانشنامه جهان اسلام*، ج ۴، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

تاریخ قزلباشان (۱۳۶۱). تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بهنام. جهانگشای خاقان (۱۳۶۴). تصحیح الله دتا مظطر. پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. حسینی استرآبادی (۱۳۶۶). *تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.

خسروی چپانه، فرود (۱۳۸۷). *تاریخ ایل قراپایاق بورچلوی پیشین*، تهران: مهر برنا. دلاواله، پیترو (۱۳۸۱). *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دهگان، ابراهیم (۱۳۳۵). *تاریخ اراک*، اراک: انتشارات فرهنگ اراک.



رضوی، مهدی (۱۳۷۰). ایل قاراپاپاق، تاریخ، آداب، رسوم، فولکلور و مونوگرافی، تهران: ناشر مؤلف.

سپهر، محمدتقی (۱۳۳۷). ناسخ التواریخ، تصحیح جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر.

سومر، فاروق (۱۳۹۰). تاریخ غزها (ترکمن ها)، تاریخ تشکیلات طایفه ای و حماسه ها، ترجمه وهاب ولی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). نقش ترکان آناتولی در تشکیل و گسترش دولت صفویه، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران: نشر گستره.

طهرانی، ابوبکر (۱۹۷۸). تاریخ دیاربکر، تصحیح و تحشیه نجاتی لوغال، فاروق سومر، تهران: کتابخانه طهوری.

قزوینی، بوداق منشی (۱۳۸۷). جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ق، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران: انتشارات میراث مکتوب.  
محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی (۱۳۶۸). خلاصه السیر، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر علمی.

منجم یزدی، جلال الدین محمد (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال الدین منجم یزدی، تصحیح سیف الله وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.

میرزا سمیعا (۱۳۷۸). تذکره الملوک سازمان اداری حکومت صفویان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.

وحید قزوینی، میرزامحمد طاهر (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی (عباسنامه)، تصحیح سعید میرمحمد صادق، زیر نظر احسان اشراقی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ب) منابع اینترنتی

[http://hist.citl.cc.rsu.ru/Don\\_NC/Middle/Polovci.htm](http://hist.citl.cc.rsu.ru/Don_NC/Middle/Polovci.htm)